

انتقام روز پیش را گرفته وضعیت را تلافی کنند .  
 ایرانیان در نصف شب این مقصود را بکار بردن ولی موافق نشده  
 منتهی ما بطرف راهی که آمده بوده اند ، رجعت کردند  
 مد از رجعت اردوی طالش ، روسها را تعقیب نکرد زیرا وضعیت  
 باد کوه در پشت سر و سرمای سخت میدان جنگ آنها را تهدید میکرد .  
 روز بعد کلبه سواران روس در تعقیب اردوی طالش حرکت ولی باده  
 نظام و توپخانه آنها مجدداً طرف قصبه شماخی برگشتند و ژنرال  
 ایشپخدر با یک فوج پیاده و شش عراده توپ ، کمک محاصرین باد کوه  
 حرکت نمود .

ژنرال ایشپخدر ، به بندر باکوبه خیلی اهمیت میداد وی خیال  
 داشت این قطعه را بزودی دست آورده با اردوی شماخی و حجر به طرف  
 طالش تعرض نماید ، این خیال پس از آنکه به محط قلعه اکور رسید  
 به حاکم نظامی قصبه باد کوه پیغامی داد که در برون قلعه در محل  
 ( یلفین آغاج ) راجع به تسام قاعه و دادن آذوقه ، اهالی داخل مذاکره  
 شوند ( ۱۲ ) در حین مذاکره ژنرال ایشپخدر را کشتند و وضعیت هرج  
 و مرج پیش آمد که در کمثل روزه محشر بود روسها زهر سهت باسنجکها را  
 باد کوبه حمله آوردند ، از طرف دیگر یک عده از محصورین برای این

( ۱۲ ) - در لشکر روس از سورت سرما دواى که حمل و بیجاى  
 میدادند خوردند و آذوقه و علف در لشکر آنها اندک شد و کار بصعوت  
 رفت پس ژنرال روس حیالی اندیشید که مصطفی قیجیان قاعه سگی باد کوه  
 را فریب دهد و روی دل او را بوعده عطا و وعده ما ا خود کند تا از

که از قلعه خارج شده و برای الحاق به اردوی طالش حوضه رود کو را روند، سعی میکردند خطوط محاصره روسها را بشکافند.

در حقیقت از مجاهدین و قوای امدادی که در باد کو به محصور مانده بودند، دورا محل باقی میماند: یعنی با اتمام اشخاص مسلح با وجود سختیهای بسیار و توجه سرانجام کار نباید محاربه را پذیرفت و یا باید از يك سمت قلعه شدیداً تعرض نموده با اهالی قصبه از قلعه خارج شد و از وضعیت خطرناک کنونی رهانید.

روز بعد (۲۲ شوال) مجاهدین و سران دسته و دو نفر افسر نظام جدید و عامای قصبه انجمن کردند و بالاخره قراردادند که دستجات بدون فوت وقت از راه سالیانی شروع به تهاجم نمایند و حتی در بند اهالی هم نباشند آنها بن دو قوا از قصبه بیرون آمده و با تلفی رجعت خواهند کرد. سواران لژی روز ۲۲ صبح زود قبل از آفتاب در هوای بسیار سرد شروع به تهاجم نموده اند. کمی بعد تر که با تکبیر و صلوات بلند شروع حمله کرده اند قتال مدهش، کشتار عجیب در مسایخ بشر هر چه شدیدتر شروع شد. کلبه مجاهدین از راه عبوری سر بازان نظام جدید حمله میکردند. پس از لحظه کشت و کشتار، صف ضخیم روسها دریده شد. دسته ششم که موموم به از سر گذشته گان بوده اند. با قدم آهسته عبور کرد و بعد

این سحنی برهد و از گرداب بلا خلاص شود. پس حسینقلیخان را پیام داد و خواستار دیدار شد حسینقلیخان این معنی را بهال بيك گرفته در بیرون قلعه جای نشستن موموم کرد و روز دیگر ژنرال ایشپهدر با دو سه تن از مردم خود بدانجا آمد.

دسته جات دیگر هم با زور و به ، شمشیر را هر بار کردند و از محاصره بیرون آمدند . بعد قافله های اهالی راه افتاد ، داد و فریاد زنان ، اطفال خرد سال بعرض اعلا میرسید . بالاخره وضعیت برگشت دسته جاتی که قریب هزار قدم جلو تر رفته و ده اند بر گشته بداد اهالی رسیدند و نبرد از نو سر گرفت .

بالاخره پس از جدال خونین و دادن تلفات زیاد خروج کنندگان بایک، قسمت از اهالی موفق شدند که به راه شمالی سالیانی برسند . عقب نشینی بدون فشار روسها انجام گرفت ولی حرکت در ره های پراز برف سر ازان و مجاهدین و اهالی را خسته کرده بود . در همه روز بیست و سوم ماه شوال در حدود نقطه خروجی در ناحیه باد کوبه زد و خورد دنباله داشت .

روز ۲۴ ماه این عده ها بدون اینکه به اردوی شماخی روس بر بخورد در شمال سالیانی به اردوی طالش ایران رسیدند .

روز ۲۵ ماه روسها باد کوبه را میگیرند و بدون فوت وقت بطرف جنوب غربی حرکت و روز ۲۶ ماه به اردوی شماخی که در جنوب آن قصبه اردو گاه موقتی تشکیل داده بود ، میرسند و روز ۲۷ ماه کلبه نیروی روس که عنوان اردوی شماخی را داشت بطرف قصبه سالیانی شروع بتعرض مینمایند .

روز ۲۸ ماه نیروی طرفین در شمال سالیانی تماس حاصل و روز ۲۹ ماه داخل نبرد میشوند که پس از نصف روز جدال و خون ریزی بالاخره اردوی طالش ایران که بی سروصدا فشار اردوی روس را تحمل

میگرد ، غفله از جناح راست مورد محاصره گردید .  
اردوی طالش با وجود فشار های سخت دشمن و سرمای زیاد و  
احاطه اهالی نهدید کننده تا غروب آن روز با فشاری کرد ولی همینکه  
شب فرا رسید مجبور شد که قسمت شمالی رود کورا را تخلیه و از پل  
سالیانی عبور نموده در ساحل جنوبی آن وضعیت دفاعی اتخاذ نماید .  
ولی افراد از زور سرما مجبور بوده اند که غالباً راه رفته به این وسیله  
از اثر سرما آسوده باشند . باین لحاظ همینکه شب شد عده ها بدون  
حکم و دستور شروع به رجعت کردند گریز منظم و پشت سر هم شبانه  
گاه ها و آگاه بودن عده ها بخطر بکه دنبال آنهاست ، زمینارای برای  
توسعه و هشت و ترس آماده کرده بود .  
خلاصه ، اردوی طالش ایران تا صبح رجعت کرده صبح زود از  
پل سالیانی عبور و بدین شکل از چنگال سوار نظام سریع روسیه  
رهائی یافت .  
چهار روز بعد از رجعت به خط رود کورا ، خبر سقوط قلعه  
باد کوبه به فرماندهی کل رسید .  
رجعت و عدم موفقیت اردوی طالش ، سقوط قلعه با کوبه و بالاخره  
بمباردها ن بندر لنکران و آستارا و سایر نقاط ساحلی فتوحات نیروی  
روس را در تمام جبهه جات ثابت مینمود .  
اگر بخواهیم عملیات جنگی سال ۱۲۲۰ ه را خلاصه کنیم  
چنین معلوم میشود که با وجود تعرضات شدید و متعدد نیروی ایران ،  
اول در جبهه قره باغ ثانی در جبهه طالش و گیلان با عدم موفقیت و دادن

ضایعات عمده باز به مکان اولیه، یعنی همان خطیکه در سال ۱۲۱۹ هـ در دست داشت عودت نمود.

اگر وضعیت ارتش روس در مراکز قطعه اروپا مساعد میبود، قطعاً روسها از خط رود ارس و کورا عبور کرده جنگ را به مناطق دیگری داخل میگرداند.

## مبحث چهارم - دور سوم جنگ، سال چهارم

وضعیت طرفین      سال سوم جنگ در تاریخ ۲۹ ذی الحجه با دادن آخرین قربانیهای نادکوبه به پایان رسید.

اقدامات جدی و فداکارانه ایرانیان بجای نرسید. دو تعرض نزرک که هر یکی دارای عملیات جنگی و نقشه های مختلف بود، ضایعات پانزده هزار نفر سرباز و چریکوسی و هشت عراده توپ بدون کسب نتیجه خاتمه یافت.

بعد از خاتمه دوره سوم جنگ، طرفین مدت دو ماه نتوانستند از جای خود حرکت کنند. چه طرفین متخصصین در این یازده ماه جدال پرمشقت خسته، فرسوده شده و دند. اخلاق جنگجویان و اراده قوی کفیل فرمانده نیروی ایران در مقام تازه نژودی ظاهر گردید. او به محض ورود بمقر حکومت مجدداً شروع تجهیزات ارتش نمود.

در این هنگام در هیچ محفل جز ذکر مصائب قفقازیه نمیشد. پادشاه ایران در صد بود که در این سال (۱۲۲۱ هـ) هم جنگ را راه بیندازد. ولی نه پول و نه اسلحه و نه سرباز تعلیم یافته موجود نبود.

دولشگر نظام جدید در این سه سال جدال کلی و جوونا بود شده ، اثری از آنها باقی نماند . اوضاع نظامی سال ۱۲۲۱ هـ طوری بود که ایستی هر چیز را از نو تدارک دید .

تشکیلات دولتی در این زمان تغییر کرد پادشاه چهار وزیر داشت وزارت جنک که به «میر السد الله خان» محول شده بود که ایشان بر طبق او امر کفیل فرمانده کل مملکتی از برای تجهیز یکصد فوج محلی مأمور شد .

تشکیلات حکومتی ایالت در نهایت بیچیدگی و اهم بود . حکام در جمع آوری سرباز ، سوار ، و جاهد ماهر نبوده ، در تهیه دواب و آذوقه کمک های جدی نمیتوانستند بکنند . نفوذ پادشاهی اگر چه متمرکز بود لکن وحدت نداشت . امر و زمال التجاره با آزادی تمام سرتاسر خاگاران جریان میابد ، قوانین و نظاماتی که حقوق افراد را نسبت بیکدیگر معین میسازد و اقسام مالیات و طرز وصول و ایصال آنها و اوزان و مقادیر در جمیع ایالات و ولایات یکسانند . ۱۱ در سال ۱۲۲۱ هـ کار بر این منوال نبود .

مهمترین مناع مالیاتو که از اهالی قراء خالصجات بود که آنها هم بواسطه جنک طولانی از بین رفته و یا تازه داخل سربازی شده ، نه در قسمت زراعت و نه در قسمت مبادلات نمیتوانستند شریک باشند . خوانین ، ملاک متفرقه و رؤسای ایل ، بیشتر این اشخاص صاحب فکر تفرق و تشخص بوده اند . باصرار و ابرام تمام بعادات و قدیمه خوانین متشبث شده و امتیازات و اختصاصات محلی خود را محترم شمرده

و میخواستند بهر قیمتی باشد استقلال خود را حفظ کنند و کشور مستقل کوچکی شهید . تشکیلات قضائی هم در پیچیدگی و ابهام کمتر از تشکیلات اداری نبود . از این لحاظ هم آثار قرون وسطی مشاهده میافتاد . دولت از نفوذ محضرها مخوف بوده بدینجهت با وجود اصرار مستشاران نظامی نمیتوانست از برای فرار یان و مقصرین نظامی و جنگی هیچکم نظامی تشکیل دهد . . . !

تشکیلات اجتماعی کشور در سال ۱۲۲۱ ه . عینا نظیر ششصد سال یعنی دوره طوایف الملوکی بود . اصل و اصیل جمع تشکیلات عدم مساوات بود . در تمام مناطق جنگی به اشخاص شهر نشین تصادف نمیشد . همه سر بازان ، مجاهدین و سواران حتی يك قسمت از سر دستها کاملا از اهالی ده و ایل بوده اند .

روحانیون بحکم شرافت و قدس مشاغلی که داشتند ، اولین طبقه کشور محسوب میشدند . هر چند در تهیج و غلبان سفر جنگی با اهالی قوای معنوی احداث مینمودند ، ولی هیچ یکی از آنها به حرب اشتراک نمیکردند . خلاصه تمام عوارض و حقوق دیوانی ، سرریزی و مشقات کشوری بر دوش رعایا تحمیل میشد که آنها هم مدت چهار سال است که در مناطق جنگی جانبازی میکردند .

در حین اوضاع ، باز چند نفر دیهن پرست ، يك مشت فد اکار و دیندار و شاه پرست و ملت دوست ، در خوض رود ارس سر بازان ، سواران داوطلبان عربان را جمع آوری کرده از آنها جمات ارتشی دولت طمع جلوگیری نموده اند . ولیعهد کشور به نیروی عزم راسخ و جهد مستمر

علی رغم بیابان افکار داخلی ، و اختلاف تشکیلات و آداب و رسوم موفق شد که يك قسمت نواقص ارتشی را مرتفع سازد و لشگری مرکب از یکصد هزار مرد جنگی در سرحد شمال غربی میهن متمرکز ساخت و توپخانه ای به ارتش خود داد که از حیث سبکی و قابل حرکت نظیرش در آسیا نبود ، سوار نظام ایلات را حتی المقدور زیاد کرد چه در مقابل خصم دارای سوار نظام قوی بوده و در عملیات تعاقبسی همیشه فاتح میشد . بنا بر این کفیل فرماندهی آنچه سوار در مملکت موجود بود ، به صحنه جنگ احضار نمود . آنگاه بنظم کشور و تمهید قواعد سلطنت پرداخت « حاجی محمد حسینخان بیگلر بیگی » را که وزیر مالیه بود به صحنه جنگ احضار و مرکز وصول مالیات را در تبریز بر قرار ساخت و همچنین وزیر جنگ میرزا اسدالله خان نوری را مأمور کرد که در تمام نقاط ایران تفتیشات نظامی و تبلیغات لشگری کرده از هر شهر و قصبه ای فوج محلی تشکیل و به حوضه ارس اعزام دارد در ماه دوم سال ۱۲۲۱ . ه ارتش ایران در مناطق ذیل متمرکز گشتند :

۱ - در سواحل بحر خزر سه فوج سر باز و ده عراده توپ .  
دو فوج در حدود انزلی و غازیان با هشت عراده توپ . يك فوج در بندر مشهد سر با دو عراده توپ . چهار دسته مجاهد هم در شهر رشت تشکیل میشد .

- ۲ - یک اردو که دارای پانزده فوج پیاده و ده دسته سوار نظام چریک ویست عراده توپ بود در طالش تمرکز یافته بود :
- ۳ - اردوی قره باغ که از بیست فوج پیاده و پانزده دسته سوار



چریك و بیست عراده توپ تشکیل شده ، در شمال پل خدا آفرین قرار گرفته پیش قراولهای ابن اردو در ( آق اوغلان ) بود

۴ - اردوی شور ، کمل که از ساخلوهای قلاع ثلاثه و سواران چریك تشکیل یافته بود ، نخجوان ، ایروان ، اوج کلاسه متفرق بوده اند .

۵ - نیروی احتیاط در شهر تبریز بتدریج جمع میشد . قرارگاه کمل در سوم خرداد ۱۲۲۱ . ه در قریه ( حسن حسین ) در جنوب پل خدا آفرین بود .

فرمانده کمل برای اینکه نظامیان خود را « حنك عادت دهند ، يك اردوگاه تعلیمات حربی تشکیل داد که در آنجا جمیع افراد ارتش باعمال جنگی مبادرت میورزیدند .

نیروی روس تا ۲۱ خرداد ماه سال ۱۲۲۱ . ه بیچ حرکت نکرد فقط بحریه آنها گاهی بندر غازیان و زمانی بندر لنکران را به توپ می بست . در خلال این اوقات « موسی ژور » رسول امپراطور فرانسه به قرارگاه کمل ارتش ایران رسیده وضعیت سیاسی و نظامی روسها را در جبهه جنگی قطعه اروپا شرح داد و تاکید مینمود که ارتش ایران بدون فوت وقت بایستی تعرض نماید .

حقیقتاً وضعیت ارتش روس در جبهه اروپا خوب نبود ، جنگهای ناپلئون با اطریش و روسیه در اواخر سال ۱۸۲۰ . ه یعنی چهار ماه قبل از این دوره که معروف به اتحادثبات است و حوادث مهمه آن فتح ناپلئون است در ( اولم ) که نیروی دولت اطریش را در هم شکست و

غلبه اوست بر ارتش متحده روس و اتریش در (اوسترلیتز) خاتمه این جنگ با معاهده (پرس بورك) صورت گرفت.

در واقع روسها در جبهه اروپا شکست خورده و با يك وضعیت مجهول در انتهای حدود غربی لهستان سرگردان بوده اند. با این وضعیت پریشای دولت روس قادر نبود که ارتش منظمی به جبهه ایران بفرستد. از این جهت بود که روسها پس از عقب نشینی ارودی طالش ایران یک قدم جلو تر نرفته در خط (رود کورا - قره باغ - شمال شوره کیل) توقف کرده اند و مدت سه ماه و نیم بدون اینکه جزئی حرکات جنگی از آنها بعمل آید، در شمال سالیانی و در قصبه شوشا و در شهر کمري عاطل ماندند و از فتوحات کهنجه، باد کوبه و کورا استفاده کامل نکرده اند.

مطابق تاریخ نظامی روسیه در اوایل سال ۱۲۲۱ هـ که نیز مصادف با اوایل سال ۱۸۰۶ میلادی میشود، وضعیت ارتش روس در جبهه ایران بقرار ذیل بوده است:

- ۱ - دو فوج پیاده نظام و ده عراده توپ از اردوی داغستان بطور مأمور در بندر باد کوبه بود.
- ۲ - چهار فوج پیاده دو فوج سوار نظام در منطقه شمالی رود کورا
- ۳ - ده گردان پیاده در تحت فرماندهی لیسانوویچ با پانزده عراده توپ و یک فوج سوار نظام در حدود قره باغ بود.
- ۴ - چهار فوج پیاده و یک فوج سوار در شمال قصبه کمري
- ۵ - نیروی احتیاط در مرکز جبهه عمومی در قرارگاه ارتش قفقازیه در شهر کهنجه بود.

ژنرال «نلسین» فرمانده ارتش قفقازیه جنوبی بود .  
 در خلال این اوقات روسها در ناحیه داغستان قشون علیحده ای داشتند  
 که در حین لزوم به ارتش قفقازیه جنوبی میتوانست کمک نماید .  
 بعد از معاهده ( پرس بورک ) ارتش روس در مقابل ناپلئون  
 تقریباً یکبار بود ، ولی از مسافت دور نمیتوانستند قشون خودشان را با  
 وسایل قرن نوزدهم که هنوز خط آهن وجود نداشت ، جبهه های آسیا  
 انتقال دهند . گذشته از این امپراطور روس کینه خود را نسبت به امپراطور  
 فرانسه نگاهداشته منتظر وضعیت بهتر و مناسبی بود ، لذا روسها نمیتوانستند  
 از جبهه اروپا یکنفر سر باز هم جدا نمایند .

البته این وضعیت برای ایران بسیار مناسب و فرصت خوبی بود که  
 روسها را در ماوراء قفقازیه منکوب نماید .

روز جمعه ۲۵ ربیع الاول سال ۱۲۲۱ . ه اطلاعات بسوطلی از  
 اوضاع نیروی روس در قفقازیه به قرار گاه فرماندهی ارتش ایران رسید  
 بنا بر این عباس میرزا وضعیت را دانسته بدین جهت نقشه تعرض را در  
 جبهه قره باغ تهیه نمود .

## ۱- در جبهه قره باغ

از حوادث مهمه سال ۱۲۲۱ . ه اتحاد خانان ، شگی طلش ،  
 قره باغ و داغستان بر علیه ارتش روس ( ۲۶ ربیع الاول ) است این امر  
 نتیجه مخابره سری عباس میرزا بود که وعده های مساعدی به خوانین  
 آن نواحی میداد .

عباس میرزا نه تنها راه جمع آوری ممالک را میدانست بلکه در امر اداره و سیاست ملک نیز مهارت داشت چنانکه قدرت خود را در نواحی مستقل قفقازیه و حوضه ارس جایگیر ساخت و بتدریج حکومت از باب مالک را در تمام مسحنه جنک ضعیف کرده نیروی نظامی خود را بجای آنها نشانید .

در موقع بشرویی و در خلال عقب روی وضعیت خانهای قفقازیه تغییر میکرد . یعنی آنهایی که در واقع دین پرست و از روی صمیمیت مطیع پادشاه ایران بوده اند ، همیشه به ارتش ایران معاونت کرده ارتش روس را دشمن میهن و دین میدانستند . ولی آنها بیکه به مز کز دولت علاقه نداشته و از دیات خود اطمینانی حس نمیکردند . در موقع فرصت به روسها کمک کرده منفعت مادی خود را تأمین میکردند . این بود که فرمانده ارتش ایران حتی المقدور با فکر سلیم رفتار نموده سیاست ماهرانه خود را در تمام منطق جنگی بکار زد . باین معنی که در برابر تحریکات خصم پشت و پناه ضعیف بود . از خانهای فداکار استعانت کرده از خدمتشان متنفع گردید و خانهای خائن را در موقع مناسب ، زور سر نیزه ، طبع و منقادشان نمود .

در مواقع رجعت و عقب نشینیهای اجباری بالخاصه بمر دم قفقازیه توجه و مساعدت داشت . مهاجرین را در شمال آذربایجان و در تمام نقاط ایران با مساعدت زیاد سکنا داد و به حال آنها بیشتر التفات کرد این بود که تحریکات ارتش روس در قفقازیه منحصر بر چند نفر خائن بوده و متباقی اهالی جانا و مالا به ارتش ایران کمک میکردند .

خلاصه اصول اداره جنگ حتی المقدور منظم و در سایه فرمانده  
 قهرمان کار آگاه و کار آمد و کاری ، قدرت سلطنت هر روز بوجهی  
 بدیع و عاقلانه بخوبی قوام یافت . با وجود اینکه جنگ چهار سال دوام کرده  
 و هنوز هم معلوم نیست تا چند سال دیگر دوام خواهد نمود ، مردم بفرماندهی  
 صادق و مطیع بوده بهر امر نظامی جانان و مالان و قدرتا حاضر میشده اند ،  
 پس از آنکه فرماندهی از اوضاع سیاسی جنگ اطمینانی حاصل نمود ،  
 باز نقشه جنگی سال سوم را تجدید کرد . یعنی در جبهه های خزرو  
 طالش و شوره کل دفاع و در جبهه قره باغ تعرض کند .

وی قاصدان تند سیر را با احکام شفاهی و علامت و نشانه معینی  
 به نزد خانان قفقازیه فرستاده و نیت جنگی خود را به آنها ابلاغ کرد .

روز ۲۹ ربیع الاول ۱۲۲۱ ، اردوی مر کزی از پل خدا آفرین  
 بطرف مراکز منطقه قره باغ حرکت نمود .  
 اردو تمام روز باهستگی حرکت کرده جلگه کوچک خدا آفرین  
 را طی نموده کمی قبل از غروب به دامنه فلات قره باغ رسید .

روز ۳۰ ماه اردو به دو ستون تقسیم شد . چه از این نقطه راه قره  
 باغ دو شعبه شده تا قصبه شوشی بطور مجزا کشیده میشد ولی نیروی  
 روس کاملاً در روی راه شرقی قره باغ قرار گرفته بزرگترین اردوی  
 آنها در شمال قره به ( پناه آباد ) بود . برای اینکه راه غربی شوشی در  
 تحت امنیت قرار بگیرد ، یکعهده کوچک مر کب از صنوف مختلفه بدان سمت  
 اعزام گردید .

فرمانده نیروی روس ژنرال « نبلسین » همینکه از نیت ایرانیان

اطلاع یافت ، فوراً از شهر گنجه نیروی احتیاط را خواست .

ژنرال نبلسین از استعداد نیروی ایران کاملاً  
نبرد به ختین مطلع نبود ، اهالی محل نیروی ایران را به

ژنرال مزبور یکصد هزار نفر معرفی میکرده اند ، باین لحاظ در  
صدد برآمد که از قریه ختین بسمت شوشا عقب بنشیند و در محل مناسب  
تری قرار بگیرد .

صبح روز ۳ ربیع الثانی فرمان حرکت داده شد ولی همینکه  
عباس میرزا از مطلب آگاهی یافت ، باینکه نیروی عمده عقب بود عزم  
حمله کرد باین ترتیب محاربه ختین در گرفت .

موقع ظهر بود و در زیر آفتاب خرداد قسمتی از ارتش روس  
از تپه ها گذشته و دنباله ارتش هنوز در راهی که از زمان ارامنه قدیم  
باقیمانده و در حاشیه یسار رودخانه ( قان ده لن ) فلات تنگی را میبرد  
سیر میکرد . ژنرال نبلسین در این اثنا در کنار مصلائی زیر سایه  
درخت بالوت نشسته بسمت های مختلف عطف توجه میکرد که ناگاه  
مقدمه الجیش ایرانیان دنباله ارتش روس را پیش کرده سیر رسید .  
ژنرال مذکور بعجله براسب نشسته عده ای را که از پل ختین رد شده  
بود ، باز پس خواند .

ارتش روس بعجله مواضع اطراف را اشغال و بوضعی قرار گرفت  
که رودخانه را عموداً در سمت راست داشت .

پولکونیک « وهرن » رئیس ارکان حرب ژنرال نبلسین بود وی

افواج را از هم فاصله داد و بر طول صفوف جنگی افزود ، تا تلافی کمی عده بشود و هم بم احاطه آن از جانب دشمن نرود .  
 باین ترتیب جبهه دو ارتش متجانس مساوی و موازی گردید .  
 ژنرال نپلسین شمشیر بدست با رئیس ستاد اردو ، در قلب جبهه ارتش قرار گرفتند . چون تخمیناً ممکن بود ، از بعین مددی به ایرانیان برسد لذا سمت مذکور را پر زور کرد و دستجاتی در آن سمت قرار داد که همیا به حمله متقابله شوند .  
 از روز قریب دوساعت رفته بود . دستجات مستقل ایران با فریاد ( پادشاه ما زنده باد ) حمله آوردند و به نیروی تمام حرکت کردند روسها در طول جبهه حملات ایرانیان را رد کردند . بعد از سه ساعت قتال فراوان قریب نصف سران دستجات ایران زخم زیاد بر داشته بوده اند . اما در قلب جبهه که بهترین افواج ایران قرار گرفته بوده اند ، پیش آمده بقلب ژنرال نپلسین نزدیک شده اند . هر دو ارتش درهم افتادند . اغلب افراد تابه مواضع تویهای روس رسیدند ، روسها نیز از مواضع خود بلند شده با سر نیزه و شمشیر دفاع کردند . این قتال از تمام نبرد سالهای پیش خونین تر و از قصابی خندقهای باد کوبه مهلکتر بود . ایرانیان در چندین نقطه جبهه روسها ، صفهای چندی را فرو برده جبهه را در سه نقطه شکافتند در این اثنا ژنرال نپلسین از بهر تحریض ارتش به آویختن و خون ریختن تمثال امپراطور را در میدان جنگ میان سالدات افکند و نیز شمشیر خویش را بکشود و بسمت شکاف جبهه که سربازان ایران سر در آورده بودند ، دوید . و در خلال این اوقات سه

فوج پیاده از شوش به امداد رسیده و آنها بلا درنگ داخل نبرد شدند  
 تهور جسورانه ژنرال روس و رسیدن نیروی احتیاط در موقع لزوم  
 و زمان مناسب وضعیت محاربه را کاملاً تغییر داد .

ستونهای فرو شده ایرانیان نابود شدند و قسمتهای عقبی موفق  
 نشدند که یک جبهه مناسبی دایر نمایند ، لذا بایک وضعیت بسیار پیچیده و  
 خراب مشغول دفاع شدند .

دو فوج پیاده نظام ( فوج ارومیه و سلماس ) بکلی نابود شدند  
 در سمت چپ حاکم زنجان دائره ای از سواران شخصی درست کرده در  
 مرکز آن قرار گرفته بود و از آنجا هجوم میکرد مثل اینکه در  
 قلعه‌ای نشسته است و باین ترتیب ارتش ایران تا غروب دوام آورد . اما  
 عاقبت به محاربه تن به تن متوسل شد و دستگیر گردید . در حین غروب  
 آفتاب ، بازهنگهای روس در جناح راست جبهه شروع به تهاجم کردند  
 پس از دفع حمله آخر نبرد بدون نتیجه منقطع شد . این هنگام چون  
 آب و آذوقه در اردو گاه ایران کمیاب بود . لذا فرمانده ارتش صواب  
 در توقف ندیده ، اردوی مرکزی را بجنگه خند آفرین  
 رجعت داد .

با وجود مراقبتهای جدی ، رجعت از انظار دشمن مخفی نشد  
 و با کمال بی نظمی انجام گرفت . گرچه فرمانده ارتش تصمیم گرفته  
 بود ، هر چه ممکن شود تعد تر عقب نشینی نموده هر گونه تماس را با  
 روسها قطع نماید ، معذالك نظرش بسمت نیروی امدادی متوجه بود و  
 خودش بارده بندی کردن عقب نشینی اردو مشکلاتی برای خود ایجاد



نمود اردو با کمال سختی تا سفیده صبح رجعت نمود کمی قبل از طلوع خورشید ، توانست تماس خود را با دشمن قطع نماید . در خلال این اوقات « حسین خان سردار » و « اسمعیل خان دانهانی » و حسن خان و امان الله خان با چهار هزار سوار بر سیدندولی تجدید تعرض جهت اردوی مرکزی غیر ممکن بود . چه خستگی و نبودن قورخانه و آذوقه کافی و علیق مشکلات عظیمی تولید نمود که تلافی این وضعیت کمتر از چهار روز ممکن نبود لذا نیروی تازه را بسمت ( آق اوغلان ) فرستاده . تماس با دشمن دایرو او را سرگرم کرد و پس از چهار روز استراحت هم بقیه اردو را شبانه قسمت به قسمت به حدود آق اوغلان انتقال و روز پنجم مجددا با کلیه نیروی بجبهه روسها که در شمال خشین بوده اند تعرض نمود .

روسها تمام روز در مقابل تعرض ایرانیان ایستادگی کرده ولی بعد از غروب بطرف شوشی شروع بعقب نشینی نموده اند ، اردوی مرکزی در تعقیب خصم حرکت نموده قدم بقدم او را تعاقب نمود .

روز ششم روسها قلعه شوش را تخلیه و بطرف رودخانه ترتر عقب رفتند و سواران ایران در تعقیب آنها حرکت نموده تا به خط ترتر رسیدند ولی دو روز بعد با حکم فرماندهی بشوش معاودت کرده اند . باری فرمانده ارتش ایران بیهوده به بریده شدن ارتباط با اردوی مرکزی روس اهمیت جدی میداد زیرا ارتباط بزودی برقرار گردید ، چاسوار نظام روس از خط ترتر جلوتر آمده با سواران ایران هر روز



داخل زد و خورد میشده اند .

از این تاریخ به بعد اردوی های مرکزی طرفین در يك فاصله زیاد یعنی اردوی مرکزی ایران بین آق اوغلان و قلعه شوش و اردوی مرکزی روس در بین ترتر - گنجه استقرار داشته و هر دو توسط سوار نظام قوی تماس را حفظ و هر روز هم با زد و خورد موضعی اشتغال داشتند .

در خلال این اوقات جبهه طالش و کورا اهمیت یافته و هر دو طرف در آن حدود داخل جدال گشتند .

## ۲ - تعرض در جبهه طالش

یازدهم تیر ماه سال ۱۲۲۱ . ه روسها به پل سالیانی شبانه تعرض کرده مستحفظین بی احتیاطرا قتل و تاسفیده صبح قریب دو قوج پیاده و ده عراده توپ از پل عبور داده تپه های جنوبی کورا را تصاحب شده اند .

روز ۱۶ تیر اردوی طالش ایران به نیروی روس هجوم کرده قسمتی را اسیر ، عده را عقب راند و موقع ظهر پل را متصرف شد ،

در خلال این اوقات اهالی قفقازیه بر ارتش روس تاخته آذوقه و مهمات جنگی او را بغارت برده و اسراراً بانواع شکنجه و عذاب و عاجز کشی هلاک میکردند . در مقابل این تهدیدات اهالی روسها مجبور شدند از اردوی طاغستان کمک بطلبند .

پس از يك هفته از ناحیه داغستان پنج فوج امداد به نیروی روس رسیده ، این دفعه هم آنها شروع بقتل عام کردند و چون فرمانده ارتش ایران قوای خود را کافی ندید ، رجعت را اختیار کرده رو بسمت سالیانی عقب نشست در حوالی سالیانی روسها به ایرانیان رسیده ، بعد از ده ساعت کوشش و کوشش و مجاهدات ایرانیان توانستند دشمن را خسته کرده از یل عبور نمایند ،

### ۳ - تعرض در جبهه شوره کل

در همان تاریخها یعنی در اواسط تیر ماه ارتش روس در جبهه شوره کل نیز شروع بتعرض نمود ، در اینموقع اهالی کرjestان بر ضد روسها قیام کرده بکمک ارتش ایران راه افتادند و در حواله ( طری ) يك قسمت قشون روس را در تنگه ( زاباجیلی ) محصور ساختند ، اما اردوی آرپاجای روس بزودی کار کرجیها را ساخت و بدون توقف به جلگه شوره کل سرازیر شده به سمتهای ایروان و اوچ کلیسارمت . در خلال این اوقات سه قسمت ارتش ایران که در خنجوان ، ایروان و اوچ کلیسا متفرق بوده اند ، به استقبال اردوی آرپاجای روس شتافتند . در تمام منطقه شوره کل اهالی محل بهجهان آمده و به انتقام امید بستند شوکت و ابهت ارتش روس بتزلزل و حفظ منطقه مذکور برای او مشکل شد ،

در این اثنا مجدداً اهالی کرjestان شوریدند و چون فرمانده

اردوی آرباچای روس نیروی خود را کافی ندید ، از جلگه آرباچای و شوره کل فرار اختیار کرده رو بسمت ( کو کجه کول ) عقب نشست اما بدبختانه در این اثنا مرض کلرا تمام جلگه شوره کل را فرا گرفته روزی چندین صد نفر سرباز و اهالی محل را نابود میکرد . لذا ارتش ایران از وضعیت سخت روسها نتوانست استفاده نماید . باری روسها بدون فشار خصم خودشان را به ناحیه غربی گنجه رسانید .

چنانچه در وضعیتهای طرفین دیده شد ، هر دو طرف در سه جبهه نتوانستند موفقیتی احراز نمایند .

گاهی روسها جلو آمده ؛ زمانی ایرانیان پیش رفتند ولی هیچ یکی نتوانست در وضعیت عمومی تغییراتی حاصل نماید . بعد از این تاریخ در هر سه جبهه طرفین با زدو خورد های محلی اکتفا نموده تا اواسط پائیز سال ۱۲۲۱ - ه داخل نبرد جدی نشده اند .

در اواخر پائیز بنا بر خواهش و توصیه امپراطور فرانسه « ناپلئون » عباس میرزا در جبهه طالش مجدداً تعرض نمود .

روز ۱۷ مهر ماه ۱۲۲۱ - ه یازده هزار نفر سوار نظام ایران از رود کورا عبور نموده در جلگه سروان ، باجی یورد مشغول تاخت و تاز شد ولی طولی نکشید بحریه روس در پشت سر منطقه طالش در يك فرسخی طرف شمال بندر لنکران يك فوج پیاده و دو آتشبار بخشکی پیاده کرده ، حط رجعت سوار نظام ایران را که در جلگه کورا تاخت و تاز میکرد شروع به تهدید نمود .

این خبر در نزد فرمانده سواران موثر واقع شده ، وی بدون

تأمل ارتش خود را بطرف ورد کورا عقب کشید و از تاخت و تاز بازده  
روژه خود، جز چند نفر اسید و اغنام و دواب فراوان چیزی عاید نشد.  
در این زمان وضعیت جنگهای اروپا مجدداً شدت یافت. جنگ  
فرانسه با دولت پروس و امپراطوری روسیه که به اتحاد رابع معروف  
است از ( ۱۵ اکتبر سال ۱۸۰۶ م تا ۲۰ ژوئن ۱۸۰۷ م ) حوادث  
عظیمه آن شکست پروس هاست در ( ینا ) و ( ورشات ) و غلبه بر  
ارتش امپراطور روس در نزدیکیهای ( ایلو ) و ( فریدلند ) که منجر  
به معاهده تیلست شد. چوی روسها در مقابل امپراطور فرانسه منهنماً  
رجعت میکردند، مخصوصاً در اواسط زمستان مغلوبیت روسیه در جلو  
ناپلئون آشکار شد. عباس میرزا مجدداً حاضر شد در جبهه قره باغ  
به روسها تعرض نماید.

در بهمن ماه عباس میرزا گمان برد که خصم را در قره باغ  
تنها بچنگ آورده است. اما بالعکس خود غافلگیر شد، روز هشتم ماه  
در برف و دمه سختی که دیده را از دیدار مانع بود، قریب بیست هزار  
نفر ارتش ایران به سی هزار تن ارتش روس مصادف شد. آنزدیک  
بود کار او ساخته شود. بیست و سه دسته سوار چریک ایران در بُرد  
مغلوبه راه را گم کرد که تمام مضمحل گردید. در وسط روز روسها  
به مرکز جبهه ایرانیان که خود عباس میرزا در آنجا بود، نزدیک  
شده اند. برای خلاصی از این تهاجم دهشتناک عباس میرزا مجبور شد  
کلیه سوار نظام را بکار بیندازد. شب فرا رسید و روسها دست از جدال  
برنمیداشتند. اما در این گیرودار، سواران قرچه داغی از پشت جناح

راست آنها به میدان نبرد وارد شدند و روسها را مجبور به عقب نشستن کردند ولی چیزی جز چهار هزار نفر جسد مقتول و مجروح که از طرفین بخاک هلاک افتاده بود در آن دیده نمیشد .

بعد از این قتال پیقایدۀ مخاصمین بسبب خستگی مفرط و سردی هوا دست از قصابی کشیدند . روسها بطرف شوشی ، ایرانیان به آق اوغلان رجعت کردند و روز بعد هم به عقب نشینی ادامه داده مجدداً به اردوگاه قدیمه یعنی به یل خدا قرین رسیدند .

بعد از این تاریخ طرفین تا اول بهار ابدأ داخل عملیات نشده در مکانهای خود آرام ماندند .

عباس میرزا دانست که در بهار جنک بزرگی باید کرد ، پس ب فکر بقویت ارتش افتاد و قرار گاه خود را به شهر تبریز انتقال داد .

## مبحث پنجم - دوره چهارم جنک ، سال پنجم

با اینکه فصل زمستان تمام شده از تعرضات ارتش

روس اثری دیده نمیشد . موقعیت ارتشی او

ابدأ تغییر نکرد . هر سه اردوی بزرگ روس

موقعیت و اوضاع  
سیاسی طرفین

کما فی السابق در شمال سالیانی و در قصبه شوشی و در قلیس استقرار داشت نیروی بحریه آنها فقط در آبهای ساحلی طالش گاهی رفت و آمد میکرد . اما مغلوبیتهای روس در مقابل حملات ناپلئون ادامه داشت . چنانچه در بهار ارتش فرانسه بسمت ( کونیگسبرگ ) که محل قورخانه و جباۀ روس بود . توجه کرد و ناپلئون قاصدی به ایران روانه

نمود که ارتش ایران هم در اواسط بهار به روسها تعرض نماید .  
 پادشاه ایران با پیشنهاد امپراطور فرانسه موافق بود و میل داشت  
 با ارتش جدید بسمت تفلیس تعرض کند . ولی فرمانده ارتش ایران با  
 این عقیده و افکار کاملا مخالف بود .

بواسطه دوری مسافت مخابره فی مابین فرماندهی ارتش ایران  
 و قرارگاه ارتش فرانسه که در این موقع در خاک لهستان بود ، اخبار  
 و پیشنهاد های طرفین دیر به دیر میرسد .

ناپلئون در حین تجهیز ارتش ، به مذاکرات و تدابیر سیاسی نیز  
 مشغول بود . هیچ وقت فعالیت او باین درجه نرسید . در اقصای پروس  
 دور از خاک فرانسه ، وی بایستی مراقب تمام کارها باشد . زیرا که  
 یقین بود در اولین شکست عهد دوستی او را درهم میشکند و مواظب  
 اطریش باشد که ناپلئون میدانست مترصد فرصت و گرفتن انتقام است .  
 از روی احتیاط با پادشاه اطریش مذاکراتی میکرد و سلطان عثمانی را  
 هم میخواست از جنوب مثل دولت ایران بچنگ روس بفرستد و با پادشاه  
 ایران هم مکاتبه میکرد که شاید ارتش ایران قفقازیه را بطرف خود  
 جلب نماید . یدین وسیله سبکینی روسها نسبت به ارتش فرانسه کم شود .  
 در خلال این اوقات دولت انگلیس با اینکه میل نداشت ارتش روس  
 فاتح بشود ؛ از ترس جهانگیری ناپلئون در نزد دولت ایران وساطت  
 میکرد که یا بادولت روس صلح شده و یا اقلا تعرضات ایران را به يك  
 دوره دیگری تعلیق نماید . مداخله دولت انگلیس امیدی به پادشاه ایران  
 داده و وی هم به عباس میرزا امر تعرض بسمت تفلیس داد .



در اینه موقع (۱۲ خرداد ۱۲۲۲ . ه ) فرمانده ارتش ایران مجبوراً داخل عمل شد . اردوی طالش را تقویت کرد و اردوی قره باغ را تجهیز و اردوی شوره کل را هم به ۲۶۰۰۰ نفر رسانیده و قرارگاه خود را به شهر نخجوان انتقال داد .

در ۱۶ خرداد با وجود تأکید فتحعلیشاه ، عباس میرزا چون خود را ضعیف میدانست ، لذا در تعرض عجله نمیکرد . روز ۱۹ خرداد برای اینکه میل و اوامر ادشاه ایران شکسته نشود ، قرارگاه ارتش را قدری جلو تر برده روز بیستم خرداد به ایروان رسید .

پس از پنج سال جدال ، فرمانده ارتش ایران کاملاً بوضعیت آشنا شده و در علوم جنگی ماهر گشت . بنا بر این وی در هر قسمت نواقص ارتش را حتی المقدور اصلاح و در تنسیق افواج ، افکارات فرماندهان خصم را سر مشق قرار داد و مخصوصاً در تهیه آب و آذوقه کاملاً مراقب بود که اردوها در حین تعرض گرفتار کرسنگی نشوند ولی بدبختانه در اینوقت با اینکه در تمام مناطق جنگی و مخصوصاً در آذربایجان بسبب قلت غله بلای غلا بالا گرفته بود ، نایب السلطنه را فتوری در ارکان شهامت راه نکرد روز ۲۱ خرداد عباس میرزا با امر مخصوص هر سه اردو را با کمال احتیاط به مسافت یک منزل جلو تر برد . یعنی اردوی طالش پس از فشار نمایش عده های روس را از سریل سالیانی عقب رانده ، موقعیت آنها را متصرف و اردوی قره باغ ( تاتف ) را ضبط نموده پیشقراولهای خود را